

۵۱ - قانون عمومی ارتباط و تعاون و انتظام و اتحاد عالم خلقت

و از حضرت عبدالهیه در مفاوضات است قوله العزیز: "این جهان غیر متناهی مثل هیكل انسانی است جمیع اجزاء بیکدیگر مرتبط در نهایت اتقان متسلسل یعنی اعضاء و ارکان و اجزاء هیكل انسان چگونه با یکدیگر ممتزج و متعاون و متعاضد و از یکدیگر متأثر بهم چنین اجزاء این کون نامتناهی مانند هیكل انسانی اعضاء و اجزایش بیکدیگر مرتبط و از یکدیگر معناً و جسماً متأثر. مثلاً چشم مشاهده نماید جمیع جسم متأثر گردد سمع استماع کند جمیع ارکان باهتزاز در آید و در این مسأله شبهه نیست زیرا عالم وجود نیز مانند شخص حی است پس از این ارتباط که در میان اجزای کائنات است تأثیر و تأثر از لوازم آن چه جسمانی چه معنوی از برای نفوسی که انکار تأثیرات معنویه در جسمانیات نمایند این مثل مختصر را ذکر میکنیم و آن این است که اصوات و الحان بدیعه و آهنگ و آوازهای خوش عرضی است که بر هوا عارض میشود زیرا صوت عبارت از تموّجات هوائیّه است و از تموّجات هوا اعصاب صماخ گوش متأثر شود استماع حاصل گردد حال ملاحظه کنید که تموّجات هوا که عرضی از اعراض است و هیچ شمرده شود روح انسانرا بجزب و وله آرد و بنهایت درجه تأثیر بخشد، گریان کند، خندان کند، شاید بدرجه که بمخاطره اندازد. پس ملاحظه کنید چه مناسبتی بین روح انسان و تموّج هواست که اهتزاز هوا سبب شود انسانرا از حالی بحالی اندازد و بکلی منقلب نماید بلکه صبر و قرار از برای او نگذارد. ملاحظه کنید که چقدر این قضیه عجیب است زیرا از خواننده چیزی خروج نیابد و در مستمع دخول ننماید با وجود این تأثیرات عظیمه روحانیّه حاصل شود پس این ارتباط عظیم کائنات را لابد از تأثیرات و تأثرات معنویه است چنانکه ذکر شد که چگونه این اعضاء و اجزای انسان متأثر و مؤثر در یکدیگرند. مثلاً چشم نظر کند قلب متأثر شود، گوش استماع کند روح متأثر شود، قلب فارق شود فکر گشایش یابد و از برای جمیع اعضاء انسان حالت خوشی حاصل آید این چه ارتباطی است این چه مناسبات است؟ و چون در اعضاء جسمانی انسان که کائی از کائنات جزئیّه است این ارتباط و این تأثیر و تأثرات معنویه است البتّه بین این کائنات کلیه نامتناهیّه نیز ارتباط جسمانی و معنوی هر دو موجود و هر چند بقوای موجوده و فنون حاضره کشف این روابط نتوان نمود ولی وجود روابط بین کائنات کلیه واضح و مسلّم است. خلاصه این است که این کائنات چه کلی و چه جزئی بحکمت بالغه الهیه مرتبط بیکدیگر است و مؤثر و متأثر از یکدیگر و اگر چنین نبود در نظام عمومی و ترتیبات کلی وجود اختلال و فتور حاصل میشد ... این مکملیتی که در هر کائی از کائنات است شبهه نیست که بایجاد الهی منبعث از عناصر مرکبّه و حسن امتزاج بوده مقادیر کمیّت عناصر و کیفیّت و ترکیب و تأثیرات سائر کائنات تحقّق یافته پس جمیع کائنات مانند سلسله مرتبط بیکدیگرند و تعاون و تعاضد و تفاعل از خواصّ کائنات و سبب تکوّن و نشو و نمای موجودات است و بدلائل و براهین ثابت است که هریک از این کائنات عمومیه حکم و تأثیری در کائنات سائره یا بالاستقلال یا بالتسلسل دارد ... در این کون الهی که در نهایت کمال و جمال و عظمت نمودار این اجرام نورانیّه عالم جسمانی نامتناهی لیس فی الامکان ابداع مما کان این فضای نامتناهی و آنچه در او است چنانچه باید و شاید خلق و تنظیم و ترکیب و ترتیب و تکمیل شده است هیچ نقصانی ندارد."